

آرام انجام یافته و مردم با علاقه فراوان رأی میدادند. قرار بود طبقات سه گانه ۱۲۰۰ نفر نماینده انتخاب نمایند که ۳۰۰ نفر آنرا روحانیون، ۳۰۰ نفر دیگر را اشراف و بقیه ۶۰۰ نفر را طبقه سوم تعیین کنند ولی عده انتخاب شدگان کمتر از ۱۲۰۰ نفر بود. بین انتخاب شدگان قریب ۲۰۰ نفر و کیل داد گستری در حدود ۲۰۰ نفر کشیش شهرها و دهات بودند. رأی دهندگان طبقه سوم ۱۵ نفر از اشراف و روحانیون درجه اول را بنمایندگی انتخاب کرده بودند. شهر پاریس با حومه ۵۶ نفر و کیل به مجالس طبقاتی فرستاده بود.

مجالس طبقاتی در ۵ ماه ۱۷۸۹ در ورسای از طرف لوئی شانزدهم افتتاح یافت و تا اواسط ماه ژوئن نمایندگان مشغول مباحثه در موضوع طرز تشکیل جلسات بودند بدین معنی که و کلاهی طبقه سوم درخواست میکردند که کلیه نمایندگان اعم از روحانیون و اشراف و طبقه سوم مجلس واحدی تشکیل دهند در صورتیکه نمایندگان طبقات ممتاز با این پیشنهاد مخالفت کرده از مجالس سه گانه طرفداری مینمودند. چون نمایندگان طبقات سه گانه نتوانستند این مشکل را حل و اختلاف حاصله فیما بین را رفع نمایند لذا و کلاهی طبقه سوم که نمایندگی نود و شش درصد ملت فرانسه را داشتند در ۱۷ ژوئن مجلس ملی (۱) تشکیل دادند و از نمایندگان روحانیون دعوت کردند که در جلسات مجلس مزبور شرکت جویند. چندی بعد عده ای از روحانیون و نجیبای درجه دوم بنمایندگان طبقه سوم ملحق شده و آمادگی خود را برای حضور در مجلس ملی اعلام کردند. چون لوئی شانزدهم به گارد مجلس دستور داده بود که از تشکیل جلسات مجلس ملی ممانعت شود در ۲ ژوئن نمایندگان مجلس مزبور جلسه فوق العاده در محل موسوم به ژودو پوم (۲) تشکیل داده و بنا به پیشنهاد تارژه (۳) و کیل داد گستری و یکی از واضعین قانون مدنی فرانسه قسم یاد کردند که بدون توجه به مخالفت روحانیون و اشراف جلسات مجلس ملی را تشکیل و قانون اساسی فرانسه را تنظیم و تصویب نمایند و قبل از انجام این منظور از هم جدا نشوند. در ۲۳ ژوئن لوئی شانزدهم در مجلس ملی حضور یافته و با لحن آمرانه درخواست کرد که نمایندگان از تشکیل مجلس ملی خودداری نموده و هر یک از طبقات سه گانه

مجلس جداگانه ترتيب دهد و ضمناً لوئی شانزدهم اعلام کرد که چنانچه نمایندگان جلسات مجلس ملی را ادامه داده و تصمیماتی اتخاذ کنند تصمیمات آنها کان لم یکن و بلا اثر تلقی خواهد گردید. نمایندگان طبقه سوم از اجرای امر پادشاه استنکاف ورزیده از طالار جلسه خارج نشدند.

و اما لوئی شانزدهم بر اثر مقاومت شدید نمایندگان طبقه سوم تغییر عقیده داده در ۲۷ ژوئن به روحانیون و اشراف توصیه کرد که در مجلس ملی حاضر شده با نمایندگان طبقه سوم همکاری و تشریک مساعی نمایند. این تقاضای لوئی شانزدهم مورد قبول نمایندگان روحانیون و اشراف واقع گردید و در ۱۴ ژوئیه مجلس ملی با حضور کلیه نمایندگان یک کمیسیون هشت نفری انتخاب کرد تا طرح قانون اساسی فرانسه را تهیه و برای شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کند. و اما چون تنظیم طرح قانون اساسی و تصویب آن در مجلس ملی مستلزم وقت و دقت بیشتری بود و از طرفی هم جمعی از نمایندگان از طرف موکلین خود مأموریت داشتند که هر چه زودتر اعلامیه‌ای که حاوی حقوق و امتیازات افراد مردم باشد تنظیم و ابلاغ نمایند لذا مجلس ملی در جلسه ۱۲ اوت کمیسیون مخصوصی برای تهیه طرح اعلامیه مورد نظر انتخاب کرد و در جلسه ۲۶ اوت طرح تنظیمی سیس (۱) را که مورد موافقت کمیسیون مخصوص واقع گردیده بود بایاره‌ای اصلاحات تصویب نمود و مقرر داشت که اعلامیه مزبور (۲) سرلوحه قانون اساسی فرانسه قرار گیرد روز بعد یعنی در ۲۷ اوت بحث در طرح قانون اساسی شروع شده و تا اوائل ماه سپتامبر ۱۷۹۱ بطول انجامید و در جلسه ۳ سپتامبر به تصویب مجلس ملی رسید و در همان روز یک هیئت شصت نفری طرح مصوب را به لوئی شانزدهم تقدیم نمود تا پس از توشیح بموقع اجرا گذارده شود. وی پس از تردید و تعمق و مشورت‌های طولانی در ۱۳ سپتامبر موافقت خود را با طرح مصوب به نمایندگان اطلاع داد و در ۱۴ سپتامبر در مجلس ملی حاضر شده قسم یاد کرد که قانون اساسی فرانسه را محترم شمرده و وسائل اجرای آنرا فراهم سازد. پس از توشیح و ابلاغ قانون اساسی مورد بحث مجلس ملی در ۳۰ سپتامبر منعزل و فرمان انتخابات مجلس ملی جدید موسوم به کنوانسیون ملی (۳) از طرف

پادشاه صادر گردید و در ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ مجلس جدیداً انتخاب افتتاح یافت .

مبحث دوم

اعلامیه حقوق بشر

اعلامیه حقوق بشر مصوب ۲۶ ماه اوت ۱۷۸۹ که جزء لاینفک قانون اساسی مورخ ۳ سپتامبر ۱۷۹۱ میباشد دارای يك مقدمه و ۱۷ ماده است. نمایندگان مجلس ملی فرانسه که از پیروان فلاسفه بزرگ قرن هیجدهم بودند در مقدمه اعلامیه مزبور که بعضی اصول آن اقتباس از اعلامیه حقوق مورخ ۱۳ فوریه ۱۶۸۹ انگلستان (۱) و اعلان استقلال ۱۳ مستعمره امریکائی مورخ ۴ ژوئیه ۱۷۷۶ (۲) و قانون اساسی مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷ ممالک متحده امریکای شمالی است بشرح زیر بیان مطلب میگردند :

« افراد جامعه دارای يك سلسله حقوق طبیعی مقدس مسلم و غیرقابل انکار میباشد. بی اطلاعی مصادر امور از وجود این حقوق یا عدم رعایت آنها یگانه علت فلاکت و بدبختی اجتماعات بشری است . »

سپس اعلامیه مزبور اختیاراتی بنام حقوق بشر برای افراد مردم قائل شده که مفاد آن از این قرار است :

افراد مساوی و آزاد بدنیا میآیند و بنابراین باید در تمام مدت عمر خویش از آزادی و برابری در حقوق بهره‌مند گردند. اختلافات اجتماعی فقط در صورتی جایز است که مصالح و منافع عمومی آنرا ایجاب کند (ماده اول).

مرام اجتماعات سیاسی همانا حفظ و حراست حقوق طبیعی اشخاص است و این حقوق عبارت است از آزادی - حق مالکیت - امنیت و حق دفاع در مقابل ظلم (ماده دوم).

حق حاکمیت ناشی از خود ملت بوده هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات مردم نمیتوانند فرمانروائی کنند مگر بنماینده‌گی از طرف ملت (ماده سوم).

آزادی عبارت از این است که اشخاص بتوانند هر کاری را که صلاح و مقتضی بدانند انجام دهند بشرط اینکه عملیات آنها صدمه به حقوق دیگران وارد نسازد. حقوق اشخاص را فقط قانوناً میتوان محدود کرد (ماده چهارم).

قانون عملیاتی را میتواند ممنوع کند که مضر بحال جامعه باشد و هر عملی که قانوناً ممنوع نیست مجاز و مشروع میباشد و هیچکس را نمیتوان وادار به عملی کرد که در قانون منظور نگردیده است (ماده پنجم).

قانون معرف و مظهر اراده عمومی بوده و تمام افراد می توانند شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود در تدوین آن شرکت جویند (ماده ششم).

از لحاظ حمایت و از حیث مجازات تمام افراد در مقابل قانون مساوی هستند و افرادی که از لحاظ معلومات و صلاحیت اخلاقی مساوی باشند حق رسیدن بمقامات دولتی و اشتغال بمشاغل عمومی را دارا خواهند بود (ماده هفتم).

قانون فقط مجازاتی را میتواند معین کند که لزوم و ضرورت آن آشکار باشد. هیچکس را نمیتوان مورد مجازات قرارداد مگر بموجب قانونی که قبل از وقوع جرم به تصویب رسیده ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شده باشد (ماده هشتم).

هر فردی بی گناه شناخته میشود مگر اینکه تقصیر او به ثبوت برسد و هر عمل شدیدی که اعمال آن در باره متهم ضرور نباشد باید بسختی مورد مجازات واقع گردد (ماده نهم).

هیچکس را نمیتوان برای عقاید حتی عقیده مذهبی مورد تعقیب قرارداد مشروط بر اینکه ابراز آن عقیده منحل نظم عمومی نگردد (ماده دهم).

چون انتشار عقاید و نظریات شخصی یکی از امتیازات اساسی افراد میباشد لذا هر فردی مجاز است آزادانه سخن گوید، بنویسد و نوشته های خود را بصورت نشریه در بیاورد. سوء استفاده از این حق در موارد مقرر در قانون قابل تعقیب است (ماده یازدهم).

تضمین حقوق بشر مستلزم داشتن نیروی انتظامی است که بِنفع عموم و نه برای اشخاصیکه آنرا اداره میکنند ایجاد شده است (ماده دوازدهم).

بمنظور نگاهداری نیروی انتظامی و تأمین هزینه آن ایجاد مالیات میشود. مالیات باید با در نظر گرفتن توانائی مؤدیان دریافت شود (ماده سیزدهم).

تمام مردم حق دارند شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود لزوم وضع مالیات را تأیید نموده و آزادانه با آن موافقت کنند و مأخذ و سهم بندی و طریقه دریافت و مدت آنرا معین و در مصرف آن نظارت کنند (ماده چهاردهم).

جامعه حق دارد از کلیه مستخدمین دولت در باره انجام وظایف محوله بآنها بازخواست نماید (ماده پانزدهم).

اجتماعاتیکه حقوق بشر و اصل تفکیک قوا را رعایت نمیکنند فاقد قانون اساسی میباشند (ماده شانزدهم).

چون حق تملک یک حق مقدس و غیر قابل تجاوز میباشند بدین جهت از هیچکس نمیتوان سلب مالکیت نمود مگر در مواردیکه مصلحت عمومی ایجاب کند مشروط بر اینکه قیمت عادلانه ملک مورد نظر قبلاً تعیین و قبل از خلع ید به مالک پرداخته شود (ماده هفدهم).

این بود مفاد اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹. اصل حاکمیت ملی و آزادی و برابری در قسمت اعظم قوانین اساسی بعدی فرانسه ثبت گردیده بود.

اصول مذکور در فوق در قرن نوزدهم به سایر ممالک راه یافته و در قوانین اساسی آنها قید گردید.

مبحث سوم

هیئت تقنینیه (۱)

بموجب ماده اول از فصل سوم قانون اساسی ۱۷۹۱ حق حاکمیت ناشی از ملت بوده قوه قانونگذاری را هیئت تقنینیه قوه اجرائیه را پادشاه و قوه قضائیه را قضاتی اعمال میکردند که از طرف مردم انتخاب میشدند.

هیئت تقنینیه را مجلس واحدی تشکیل میداد که ۷۴۵ عضو آن برای مدت دو سال انتخاب میشدند. هر یک از ۸۳ ولایت فرانسه (۲) یک حوزه انتخابیه تشکیل میداد. عده نمایندگان که در هر یک از حوزهها انتخاب میشدند با وسعت خاک و تعداد جمعیت و مقدار مالیات پرداختی بدولت بستگی داشت بدین ترتیب که از مجموع ۷۴۵ کرسی نمایندگان ۲۴۶ کرسی بالسویه بین ۸۲ ولایت تقسیم میشد که نتیجتاً هر ولایتی از لحاظ

وسعت خاک دارای سه کرسی بوده و فقط ولایت پاریس که وسعت آن کمتر از ولایات دیگر بود فقط یک کرسی داشت ۲۴۹ کرسی دیگر با در نظر گرفتن تعداد جمعیت بین ولایات قسمت میشد و بقیه ۲۴۹ کرسی بر اساس میزان مالیات پرداختی بدولت بین ۸۳ ولایت توزیع میگردد.

باینکه اعلامیه حقوق بشر مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ تمام افراد را در مقابل قانون مساوی میدانست معذک قانون اساسی مورد بحث اتباع فرانسه را به دو دسته تقسیم نموده برای افراد دسته اول (۱) حق شرکت در انتخابات را قائل میشد و اشخاصی را که جزء دسته دوم بودند از دخالت در انتخابات ممنوع میساخت. دسته اول را کسانی تشکیل میدادند که علاوه بر تابعیت فرانسه و ۲۵ سال عمر و اقامت در حوزه انتخابیه معادل اجرت لا اقل سه روز کار را بدولت مالیات میپرداختند. و رشکستان به تقصیر، اشخاصی که اشتغال به نوکری داشتند و همچنین کسانی که تحت تعقیب جزائی بودند حق نداشتند در انتخابات شرکت کنند. علاوه رأی دهندگان ملزم بودند قسم وفاداری نسبت به ملت و پادشاه یاد نموده و تعهد کنند که قانون اساسی را محترم خواهند شمرد. قرار بود هر دو سال یکبار صورت اسامی افرادی که واجد شرایط قانونی بودند تهیه و دو ماه قبل از انتخابات منتشر گردد و اشخاص ذینفع حق داشتند بمحاکم صالحه مراجعه و اصلاح صورت مورد اعتراض را تقاضا کنند.

انتخابات بدو درجه بود بدین ترتیب اشخاصی که واجد شرایط مقرر در قانون اساسی بودند در حوزه های فرعی مجامع بدوی (۲) تشکیل داده از بین کسانی که حق رأی داشتند یک عده را انتخاب میکردند و افرادی که بدین ترتیب تعیین میشدند در مرکز حوزه ولایتی مجلسی بنام مجمع انتخاباتی (۳) تشکیل داده چند نفر را به عضویت هیئت تقنینیه انتخاب مینمودند. در انتخابات درجه دوم علاوه بر نمایندگان اصلی نمایندگان علی البدل نیز انتخاب میشدند. عده نمایندگان علی البدل بالغ بر ثلث نمایندگان اصلی بود در صورت عدم تصویب اعتبار نامه یا فوت یا استعفای نمایندگان اصلی نمایندگان علی البدل جانشین آنها در مجلس میشدند. وزراء - مأمورین دولت - کارمندان وزارت دربار - مستخدمین شهرداری - فرماندهان گارد ملی و پاره دستجات دیگر مجاز نبودند

بنمایندگی انتخاب شوند مگر اینکه قبل از انتخابات از شغل خود استعفا داده باشند. قضات نیز با حفظ شغل خود نمی‌توانستند به عضویت هیئت تقنینیه انتخاب شوند. تجدید انتخابات نمایندگان هیئت تقنینیه مطابق مقررات قانونی بدون فرمان پادشاه بعمل می‌آمد. در تمام دوره قانونگذاری و همچنین در ظرف دو سال از تاریخ انقضای دوره مزبور نمایندگان از حق نیل بوزارت و اشتغال بمشاغل عمومی و دریافت حقوق و مستمری و حقوق تقاعد و قبول مأموریت موقت از قوه مجریه ممنوع بودند.

علاوه بر وضع قوانین و ایجاد مالیات و تصویب بودجه کل کشور هیئت تقنینیه وظایفی داشت که اهم آنها از این قرار بود:

۱- حق پیشنهاد طرحهای قانونی.

پیشنهاد طرحهای قانونی اختصاص بخود نمایندگان داشته و پادشاه و وزرای او از اعمال این حق محروم بودند و چون رعایت این اصل ممکن بود لطمه بمنافع کشور وارد ساخته و قوه مجریه را در انجام وظایف خود عاجز کند بدین جهت قانون اساسی ۱۷۹۱ به پادشاه حق میداد که توجه نمایندگان هیئت تقنینیه را به يك موضوع قانونی جلب و تقاضا کند طرحی که مورد نظر او است تنظیم و تصویب شود و این حق بوسیله پیامی که پادشاه به هیئت تقنینیه میفرستاد صورت می‌گرفت. بدیهی است که مجلس حق داشت باین تقاضای ریاست قوه مجریه ترتیب اثر نداده از تهیه و تصویب طرح مورد تقاضای پادشاه استنکاف ورزد.

۲- اعلان جنگ.

اعلان جنگ بر حسب پیشنهاد پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه بعمل می‌آمد.

۳- تصویب قراردادهای بین‌المللی.

قراردادهای صلح و اتحاد نظامی و بازرگانی و غیره بدون تصویب هیئت تقنینیه قابل اجرا نبود.

۴- اجازه ورود نیروی نظامی خارجی.

ورود قوای نظامی بیگانه بخاک یا سواحل فرانسه مستلزم موافقت قبلی هیئت تقنینیه بود.

۵- تعیین عده نیروی زمینی و دریائی.

هیئت تقنینیه بنا بر پیشنهاد پادشاه عده نیروی زمینی و تعداد کشتیهای جنگی را

معین و مسائل دیگر مربوط به ارتش و بحریه نظامی را حل و فصل می‌کرد .

۶- اجازه فروش املاک دولتی .

اجازه فروش املاک متعلق بدوات از وظایف هیئت تقنینیه بود .

۷- اعطای عناوین و غیره .

اعطای عناوین افتخاری و نشان نیز از طرف هیئت تقنینیه بعمل می‌آمد .

۸- تعقیب وزراء و مأمورین عالی مقام دولت .

هیئت تقنینیه قرار تعقیب وزراء و سایر مأمورین عالی‌رتبه را صادر می‌کرد

و همچنین سایر اشخاص متهم به قیام برضد امنیت و استقلال کشور یا نقض قانون اساسی را مورد تعقیب قرار میداد .

جلسات هیئت تقنینیه با حضور لااقل ۲۰۰ نفر نماینده تشکیل میشد و برای

اتخاذ تصمیم موافقت نصف بعلاوه يك عده حاضر در جلسه ضروری بود . جلسات مجلس

علنی بود و مذاکرات آن چاپ و منتشر میشد ولی مجلس بر حسب تقاضای پنج نفر

نماینده جلسات خود را سری اعلام می‌کرد . طرح‌های قانونی بااستثنای طرح‌های فوری

سه بار و هر دفعه بفاصله هشت روز رسیدگی میشد . نمایندگان در آغاز دوره تقنینیه قسم

یاد می‌کردند که نسبت به ملت و پادشاه وفادار بوده و مقررات قانون اساسی و سایر قوانین را

اجرا نمایند . نمایندگان مجلس علاوه بر عدم مسئولیت برای نطق و رأی از تعرض

نیز مصون بودند بدین معنی که بجز موارد جرائم مشهوده توقیف و تعقیب و محاکمه

آنها بدون اجازه مجلس جایز نبود .

مبحث چهارم

سلطنت = ولا یتعهد = نیابت سلطنت = قیمومت

پادشاه بنمایندگی و از طرف ملت حکمران سلطنت می‌کرد . وی در حضور

نمایندگان هیئت تقنینیه قسم وفاداری نسبت به ملت ادا کرده و متعهد میشد که با تمام

وسائل مشروع حامی قانون اساسی باشد و موجبات اجرای قانون مزبور و سایر قوانین

فرانسه را فراهم کند . در صورت تعطیل مجلس پادشاه بوسیله اعلامیه وفاداری خود را

نسبت به ملت و قانون اظهار داشته و متعهد میشد که پس از انعقاد هیئت تقنینیه مراسم

تحلیف را در حضور نمایندگان ملت انجام دهد. شخص پادشاه مقدس و از مسئولیت مبری بود.

ولایتعهد با نزدیکترین قوم و خویش پادشاه بود. زنان و مردانی که قرابت آنها با پادشاه بوسیله زنان بود از حق نیل به ولایتعهد محروم بودند. چنانچه در موقع سلطنت ولایتعهد ۱۸ سال تمام نداشت صغیر شناخته شده و وظایف سلطنت را بنام و از طرف او نایب السلطنه انجام میداد. نیابت سلطنت با نزدیکترین اقوام ذکور پادشاه بود بشرط اینکه علاوه بر ۲۵ سال عمر تابعیت فرانسه را دارا بوده و وارث احتمالی تاج و تخت يك کشور خارجی نبوده باشد. چنانچه بین اقوام ذکور پادشاه شخصی که واجد شرایط مندرج بالا باشد پیدا نمیشد در این صورت در ظرف يك هفته از تاریخ جلوس پادشاه صغیر هیئت تقنینیه و در غیاب مجلس مزبور وزیر دادگستری و وظیفه داشتند از اشخاصیکه واجد شرایط انتخاب کردن نمایندگان هیئت تقنینیه بودند دعوت کند که در هر ناحیه (۱) يك نفر را با کثرت مطلق آراء انتخاب نمایند. اشخاصی که به ترتیب بالا انتخاب میشدند در مقرر هیئت تقنینیه حاضر شده در مدت چهل روز از تاریخ آغاز سلطنت پادشاه صغیر يك نفر را به نیابت سلطنت فرانسه تعیین میکردند سپس صورت مجلسی تنظیم نموده به هیئت تقنینیه ارسال میداشتند. هیئت مزبور صحت انتخاب نایب السلطنه را چه از لحاظ واجد بودن شرایط قانونی و چه از حیث قانونی بودن جریان انتخابات مورد رسیدگی قرار داده فرمان انتخاب او را صادر مینمود. نایب السلطنه دارای کلیه وظایف و اختیاراتی بود که قانون اساسی برای شخص پادشاه قائل میشد. نایب السلطنه مانند پادشاه مسئول عملیات و اقدامات خود نبود و قبل از اینکه به انجام وظایف قانونی خود مبادرت کند در مقابل نمایندگان هیئت تقنینیه مراسم تحلیف را انجام میداد و تعهد میکرد که نسبت به ملت و پادشاه صغیر وفادار بوده و وسائل اجرای قانون اساسی و سایر قوانین فرانسه را فراهم کند. از آغاز سلطنت پادشاه صغیر تا انتخاب نایب السلطنه و انجام مراسم تحلیف از طرف وی انجام وظایف قوه مجریه با هیئت وزیران بود.

قیمومت پادشاه صغیر با مادر او بود و چنانچه پادشاه صغیر مادر نداشت یا مادر او شوهر اختیار میکرد در هر يك از این دو مورد قیم را هیئت تقنینیه تعیین میکرد.

انتخاب نایب السلطنه و اخلاف او بسمت قیم پادشاه صغیر ممنوع بود. زنان نیز حق انتخاب شدن به قیمومت را نداشتند.

قانون اساسی ۱۷۹۱ که روی اصل حاکمیت ملی استوار گردیده بود ظاهراً قانون اساسی سلطنتی ولی در معنی قانون اساسی جمهوری بشمار میرفت و دلیل آن این بود که واضعین قانون مزبور اعتماد به دربار وقت نداشتند و از این رو بر آن شدند که اختیارات پادشاه را فوق العاده محدود کنند. وظایف پادشاه را قانون اساسی ۱۷۹۱ بشرح زیر معین نموده بود:

۱- پادشاه از حق وتوی مطلق (۱) یا امتناع بلاشرط از توشیح و ابلاغ لوایح مصوب هیئت تقنینیه محروم بوده فقط مجاز بود از حق وتوی نسبی (۲) استفاده کند. هنگام بحث در موضوع و تو نمایندگان هیئت تقنینیه بدو دسته مخالف و متضاد قسمت شده بودند بدین ترتیب دسته اول که از طرف سییس معروف راهنمایی میگرددید باستناد اینکه اصل حاکمیت ملی قابل تجزیه نیست با حق وتوی مطلق مخالفت کرده و مدعی بودند که با تفویض این حق به پادشاه سلطنت نامحدود در فرانسه تجدید خواهد شد و اما دسته دیگر از نمایندگان حق وتو را اساس و پایه رژیم سلطنتی شناخته اصرار داشتند که این حق در قانون اساسی برای پادشاه منظور گردد. پس از مذاکرات طولانی و پرهیجان مجلس ملی در جلسه مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۷۸۹ حق وتوی نسبی برای پادشاه قائل شده و مقرر داشت چنانچه بر اثر استنکاف پادشاه از توشیح و ابلاغ طرحهای مصوب هیئت تقنینیه طرح مورد اختلاف بین قوه مقننه و ریاست قوه مجریه در دوره قانونگذاری جدید به تصویب میرسید دیگر پادشاه حق نداشت از توشیح و ابلاغ آن طرح قانونی خودداری کند. قوانین مالیاتی از توشیح مستثنی بود.

۲- بطوریکه در بالا اشاره شد پادشاه از حق پیشنهاد لوایح قانونی ممنوع بوده فقط میتواندست بوسیله پیام توجه هیئت تقنینیه را به يك موضوع قانونی جلب و تقاضا کند که نمایندگان طرح قانونی مورد لزوم را تهیه و تصویب کنند.

۳- بدون موافقت هیئت تقنینیه پادشاه حق نداشت اعلان جنگ دهد و قرارداد صلح را امضاء کند.

۱- veto absolu

۲- veto suspensif

- ۴- نه تنها عهدنامه صلح بلکه پیمان اتحاد نظامی و قراردادهای بازرگانی و سایر قراردادهای بین‌المللی نیز مستلزم موافقت قبلی هیئت تقنینیه بود.
- ۵- پادشاه حق نداشت هیئت تقنینیه را منحل یا جلسات آنرا برای مدت معینی تعطیل کند.
- ۶- پادشاه دوره اجلاس هیئت تقنینیه را افتتاح نموده مسائلی را که بعقیده وی بایستی مورد توجه واقع گردد باستحضار نمایندگان میرسانید.
- ۷- در ایام تعطیل پادشاه حق داشت هیئت تقنینیه را بطور فوق‌العاده منعقد کند.
- ۸- پادشاه بعنوان رئیس قوه مجریه نظارت عالی بر ادارات دولتی داشت و نظم و آسایش عمومی را حافظ و نگهبان بود. استقرار امنیت خارجی کشور و دفاع از حقوق فرانسه و حفظ و حراست دارائی آن نیز از وظایف پادشاه بود.
- ۹- پادشاه فرمانده کل قوای بری و بحری بوده باین عنوان فرماندهان ارتش و نیروی دریائی را عزل و نصب مینمود. اعطای درجه مارشالی و امیرالبحری با پادشاه بود. پادشاه دولتک دریاداران نصف امرای لشکر و فرماندهان کشتی‌های جنگی و ژاندارمری - يك نلک سرهنگ و نایب سرهنگهای ارتش و يك ششم معاونین فرماندهان کشتی‌های جنگی را نصب و عزل مینمود. انتصاب افراد خانواده سلطنتی بفرماندهی نیروی بری و بحری مستلزم موافقت هیئت تقنینیه بود.
- ۱۰- پادشاه مأمورین سیاسی و کنسولی فرانسه را در ممالک بیگانه تعیین میکرد. انتخاب افراد خانواده سلطنتی بسمت مأمورین سیاسی بنا به پیشنهاد پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه عمل میامد.
- ۱۱- پادشاه نظارت در ضرب مسکوکات داشت و مأمورین عالی‌رتبه ضرابخانه را انتخاب میکرد. تمثال پادشاه روی مسکوکات منقوش میشد.
- مخارج دستگاه سلطنتی در موقع جلوس پادشاه تا آخر سلطنت او معین میگردد. برای اداره امور مالی دربار يك نفر مدیر تعیین میشد و اشخاصیکه طلبی از پادشاه داشتند بطرفیت مدیر نامبرده اقامه دعوی در محاکم مینمودند. پادشاه دارای گارد مخصوص بود. گارد پادشاه عبارت بود از ۱۲۰۰ نفر پیاده نظام و ۶۰۰ نفر سوار نظام. اجرای احکام پادشاه مستلزم موافقت وزراء بود. در سه مورد پادشاه از مقام سلطنت منفصل میشد مورد اول اینکه در مدت يك ماه از تاریخ تشکیل هیئت تقنینیه ازاداء

قسم خودداری میکرد یا قسم خود را پس میگرفت مورد دوم آنکه پادشاه بمنظور جنگ با ملت فرانسه فرماندهی يك ارتش بیگانه را عهده دار میشد و یا از مقاومت در مقابل نیروی نظامی خارجی خودداری میکرد يك مورد دیگر اینکه پادشاه خاك فرانسه را ترك گفته و در ظرف مدتی که هیئت تقنینیه معین میکرد از بازگشت به کشور خود استنکاف میورزید. ولیعهد نیز بدون اجازه پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه مجاز نبود از فرانسه خارج شود و چنانچه وی پس از رسیدن به سن ۱۸ سال به تقاضای هیئت تقنینیه از مراجعت بفرانسه استنکاف میورزید در این صورت از مقام ولایتعهدی مستعفی شناخته میشد.

پادشاه فرانسه وظایف خود را توسط وزراء انجام میداد. عزل و نصب وزراء با پادشاه بود. افراد خاندان سلطنتی - نمایندگان هیئت تقنینیه - مستشاران دیوان کشور و اعضای هیئت عالی منصفه (۱) از حق رسیدن بمقام وزارت ممنوع بودند. قبل از شروع بانجام وظائف محوله وزراء قسم یاد میکردند که به ملت وفادار بوده و قانون اساسی و سایر قوانین را محترم خواهند شمرد. همانطور که در بالا اشاره شد فرامین پادشاه بدون امضای متصدی وزارتخانه مربوطه قابل اجراء نبود و وزیر با امضای فرمان پادشاه مسئولیت صدور و اجرای آن فرمان را بعهده میگرفت. وزراء ملزم بودند سالیانه گزارش جامعی راجع به کارهای وزارتخانه‌های خود تهیه و به هیئت تقنینیه تقدیم کنند. وزراء در مقابل هیئت تقنینیه مسئولیت سیاسی نداشتند بدین معنی که نمایندگان نمی توانستند با ابراز عدم اعتماد آنها را وادار باستعفا کنند و اما از لحاظ جزائی وزراء مسئول بودند و قرار تعقیب آنها را هیئت تقنینیه صادر و دیوان عالی ملی (۲) مرکب از مستشاران دیوان کشور و اعضای هیئت عالی منصفه آنها را محاکمه میکرد. از لحاظ حقوقی نیز وزراء مسئول عملیات و اقدامات خود بودند. وزراء مجاز بودند در هیئت تقنینیه حضور بهم رسانیده در باره وزارتخانه‌های خود اظهاراتی بنمایند. مجالس نیز حق داشت وزراء را برای دادن توضیحات لازم احضار کند.

محاکم در مقابل پادشاه و هیئت تقنینیه استقلال کامل داشتند. قضات را مردم برای مدت معینی انتخاب میکردند. نه تنها قضات بلکه مستخدمین ادارات نیز از طرف

مردم انتخاب میشدند. در رأس دستگاه قضائی دیوان کشور قرار گرفته بود. محاکم حق نداشتند بعلت عدم مطابقت با قانون اساسی از اجرای قوانین عادی خودداری کنند. دیوان عالی ملی نه تنها وزراء، بلکه مأمورین عالیرتبه دولت و همچنین مرتکبین جرائم سیاسی را محاکمه میکرد. قرار تعقیب آنها را هیئت تقنینیه صادر مینمود. تجدیدنظر در قانون اساسی تابع مقررات ذیل بود:

چنانچه هیئت تقنینیه در سه دوره متوالی تقاضای متحدالمضمونی مبنی بر لزوم تجدیدنظر در بعضی مواد قانون اساسی را می نمود مجلس خاصی بنام مجلس تجدیدنظر (۱) منعقد میگردد. مجلس مزبور را ۷۴۵ نفر نماینده هیئت تقنینیه جدید و ۲۴۹ نفر نماینده مخصوص که به تناسب سکنه شهرستانها انتخاب میشدند تشکیل میدادند. هیئت تقنینیه دوره اول و دوم قانونگذاری از تقاضای تجدیدنظر ممنوع بودند. نمایندگان دوره قبل که تغییر قانون اساسی را درخواست نموده بودند مجاز نبودند به عضویت مجلس تجدیدنظر انتخاب شوند. تصمیمات مجلس تجدیدنظر بدون توشیح از طرف پادشاه قابل اجرا بود.

فصل سوم

قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۲

مبحث اول

هیئت تثبیتی - شورای اجرایی

بطوریکه در بالا اشاره شد اولین مجلس ملی (مؤسسان) فرانسه پس از تصویب قانون اساسی ۱۷۹۱ و توشیح و ابلاغ آن از طرف لوئی شانزدهم منحل و مجلس دیگری بر طبق مقررات قانون اساسی مزبور منعقد گردید. مجلس اخیر الذکر در دهم اوت ۱۷۹۲ لوئی شانزدهم را از مقام سلطنت منفصل و قرار بازداشت او را در صومعه معروف لوتامپل (۱) صادر نمود و چون پس از خلع پادشاه و تغییر رژیم سیاسی انحلال مجلس مزبور و تشکیل مجلس مؤسسان جدید ضروری بنظر میرسید از این رو در ۱۱ اوت ۱۷۹۲ فرمان انتخابات مجلس مؤسسان و نظامنامه جدید انتخابات صادر و ابلاغ گردید. بموجب فرمان مزبور تمام اتباع فرانسه بشرط داشتن ۲۱ سال عمر و عایدی شخصی یا مزدکار و یکسال اقامت در حوزه انتخابیه مجاز بودند در انتخابات درجه اول شرکت کنند. انتخاب کنندگان درجه اول با داشتن ۲۵ سال عمر میتوانستند بعنوان منتخب در انتخابات درجه دوم شرکت جسته و بنمایندگی تعیین شوند. مجلس جدید موسوم به کنوانسیون ملی که برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید فرانسه منعقد گردیده بود در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ اولین جلسه خود را تشکیل و در همان روز فرمانی دائر بالغاء رژیم سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری صادر نمود.

مجلس کنوانسیون در ۱۱ اکتبر ۱۷۹۲ کمیسیونی مرکب از دانتون (۲) ژانسونه (۳) بریسو (۴) بارر (۵) سییس، کوندورسه (۶) و چند نفر دیگر که از

Danton -- ۲	Le Temple -- ۱	
Barrère -- ۵	Brissot -- ۴	Gensonné -- ۳
		Condorcet -- ۶

انقلابیون معروف بشمار رفته و اکثرأ اعمال فعال حزب ژیروند (۱) بودند تشکیل داد که قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و برای شور و تصویب به مجلس تقدیم کند. کمیسیون مزبور تا اواسط ماه فوریه ۱۷۹۳ مشغول تهیه طرح قانون اساسی بوده و در آن تاریخ طرح تنظیمی را بوسیله کوندورسه و ژانسونه مخبرین خود به کنوانسیون تقدیم کرد. طرح مزبور اصل حاکیست بلاواسطه را بر طبق فلسفه سیاسی ژان ژاک روسو مورد قبول و عمل قرار داده و به مردم حق میداد که در مجامع اولیه نه تنها نمایندگان هیئت تقنینیه بلکه هفت نفر وزیر را نیز برای مدت دو سال انتخاب کنند. بعلاوه طرح مزبور بمردم حق میداد که طرحهای قانونی تهیه و برای شور و تصویب به هیئت تقنینیه پیشنهاد کنند و چنانچه لایحه پیشنهادی مجامع اولیه را هیئت تقنینیه رد و مردم فرانسه آنرا در فرزندوم تصویب میکردند در اینصورت هیئت تقنینیه منحل میشد و نمایندگان آنی که در هیئت منحل شده رأی مخالف داده بودند از حق انتخاب شدن به عضویت مجلس جدید محروم میشدند. تجدیدنظر در قانون اساسی نیز مستلزم تصویب مردم بود. اعلامیه حقوق بشر که سر اوچه طرح مورد بحث قرار گرفته بود حق مقاومت در مقابل ظلم و تعدی را برای مردم قائل شده و حدود اعمال این حق را موکول بیک قانون عادی میکرد در صورتیکه ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ حق مقاومت را بدون هیچگونه قید و شرطی برای مردم قائل شده بود.

دوماده دیگر (۲۳ و ۲۴) در اعلامیه حقوق طرح مورد بحث تازگی داشت یکی اینکه اعلامیه مزبور علم و دانش را یکی از حوائج ضروری و طبیعی مردم دانسته و جامعه را ملزم میکرد که وسائل تعلیم و تربیت افراد را فراهم کند و دیگری آنکه اعلامیه مزبور جامعه را مکلف میکرد که معاش افراد بی بضاعت را تأمین کند و حدود انجام این تعهد را قرار بود یک قانون متعارفی معین نماید.

طرح مزبور که از طرف عمال مؤثر و متنفذ حزب ژیروند تنظیم شده بود در هیئت تقنینیه با مخالفت شدید حزب تندرو ژاکوبین (۲) مواجه شد و پس از وقایع خونین ماه مه و بازداشت و محاکمه و اعدام نمایندگان با نفوذ حزب ژیروند طرح تنظیمی آنها از بین رفته و هیئت تقنینیه در جلسه ۲ ژوئن کمیته نجات عمومی (۳) را که بمنظور تقویت قوه مجریه و مبارزه با مخالفین حکومت انقلابی تشکیل یافته بود

مأمور نمود که طرح جدیدی تهیه و به تصویب مجلس برساند. کمیته نجات عمومی طرح جدید قانون اساسی را برای تصویب به هیئت تقنینیه تقدیم نمود که پس از دو هفته مذاکره و مذاقه با پاره اصلاحات در ۲۴ ژوئن مورد قبول نمایندگان واقع گردیده به آراء عمومی ارجاع و با کثرت قریب با اتفاق (۱۸۰۱۹۱۸ رأی موافق در قبال فقط ۱۱۶۱۰ مخالف) به تصویب رسید.

قانون اساسی مصوب ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ که اصول مندرج در اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ را با پاره اصلاحات سرلوحه خود قرار داده بود دارای ۱۲۴ ماده میباشد که اهم آنها از این قرار است:

حاکمیت ناشی از ملت بوده و ملت را تمام مردم تشکیل میدهند مردم نه تنها نمایندگان مجلس ملی بلکه مستخدمین دولت اعضای هیئت منصفه مستشاران دیوان کشور و اعضای دادگاههای جنائی را انتخاب می کنند (مواد ۷-۸-۹).

کلیه اشخاصیکه در فرانسه متولد شده و در آن کشور اقامت داشتند پس از رسیدن به سن ۲۱ سال حق داشتند در انتخابات شرکت کنند. اتباع خارجه نیز با داشتن ۲۱ سال عمر، يك سال اقامت در فرانسه و عایدی شخصی یا ازدواج با زن فرانسوی میتوانند حق رأی داشته باشند بعلاوه اتباع خارجه که هزینه معاش يك پیرمرد فرانسوی را تأمین یا يك طفل فرانسوی را به فرزندى قبول میکردند میتوانند در انتخابات شرکت کنند (ماده ۴).

انتخابات مستقیم بود و اشخاصیکه واجد شرایط قانونی بودند برای هر ۴۰۰۰ نفر جمعیت با کثرت مطلق آراء يك نفر نماینده انتخاب میکردند در صورت عدم حصول اکثریت مطلقى انتخاب نماینده تجدید میشد و در انتخابات ثانوی اکثریت نسبی کافی بود.

علنی یا مخفی بودن انتخابات موکول به تصمیم خود انتخاب کنندگان بود (مواد ۱۶-۲۲-۲۶).

کلیه اتباع فرانسه که واجد شرایط انتخابات کردن بودند میتوانند نمایندگی بوکالت انتخاب شوند (ماده ۲۸).

پارلمان دارای يك مجلس بود که اعضای آن برای مدت يكسال انتخاب میشدند و در اول ماه مه انتخابات مجلس تجدید میشد (مواد ۳۲ و ۴۰).

برای تشکیل جلسات مجلس حضور نصف بعلاوه يك مجموع نمایندگان کافی بود. تصمیمات با کثرت نمایندگان حاضر در جلسه اتخاذ میگردد (مواد ۴۲ و ۴۹).
 نمایندگان مصونیت سیاسی داشتند بدین معنی که مقامات رسمی و اشخاص نمیتوانستند اعضای مجلس ملی را برای نطقی که در پارلمان ایراد نموده و رأی که میدادند نه در دوره قانونگذاری و نه بعد از انقضای آن تعقیب نمایند. علاوه بر مصونیت سیاسی نمایندگان دارای مصونیت جزائی نیز بودند بدین ترتیب که بازداشت و تعقیب آنها منوط به اجازه مجلس بود. در موارد جرائم مشهوده مقامات انتظامی میتوانند نمایندگان را دستگیر کنند ولی ادامه بازداشت، تعقیب و محاکمه آنها منوط به اجازه مجلس بود (مواد ۴۳-۴۴).

علاوه بر وضع قوانین و ایجاد مالیات و تصویب بودجه مجلس دارای وظایفی بود که اهم آنها از این قرار است:

اعلان جنگ با مجلس بود. مجلس هر سال عده نیروی زمینی و دریائی را معین مینمود. ورود ارتش بیگانه به خاک فرانسه و نیروی دریائی خارجی به بنادر آن کشور مستلزم اجازه مجلس بود. استقرار حکومت نظامی بدون موافقت هیئت تقنینیه ممنوع بود. تصویب کلیه قراردادهائی که دولت فرانسه با ممالک بیگانه منعقد میساخت با هیئت تقنینیه بود. قرار تعقیب اعضای شورای اجرائیه (۱) و مستخدمین دولت را هیئت تقنینیه صادر مینمود و همچنین تعقیب اشخاصیکه متهم به توطئه بر علیه امنیت عمومی بودند با هیئت تقنینیه بود. نصب و عزل فرماندهان نیروی زمینی و دریائی از وظایف هیئت مزبور بشمار میرفت (ماده ۵۵).

قوه مجریه بعهده شورائی بود که ۲۴ نفر عضو آنرا هیئت تقنینیه بنا به پیشنهاد مردم انتخاب میکرد بشرح اینکه در هر يك از ولایات اشخاصیکه حق شرکت در انتخابات هیئت تقنینیه را داشتند يك نفر را انتخاب مینمودند و هیئت تقنینیه از بین آنها اعضای شورای اجرائیه را برای مدت دو سال تعیین میکرد و هر سال انتخاب نصف اعضای شورای اجرائیه تجدید میشد. عزل و نصب وزراء با هیئت اجرائیه بود ولی هیئت مزبور حق نداشت آنها را از بین اعضای خود انتخاب کند. اعضای شورای اجرائیه مجاز بودند در جلسات هیئت تقنینیه حضور یافته راجع به امور وزارتخانهها

خود اظهاراتی بنمایند و همچنین هیئت تقنینیه حق داشت وزراء را برای ادای توضیحات لازم احضار کند (مواد ۶۲ الی ۷۷).

مبحث دوم

تقسیمات کشوری - تشکیلات قضائی - امور مالی - نیروی نظامی - تجدید نظر

در قانون اساسی - حقوق بشر

خاک فرانسه به ولایات تقسیم میشد و هر ولایتی مرکب از چند بخش (۱) بود و هر بخش را چند دهستان (۲) تشکیل میداد. فرمانداران و بخشداران و دهداران و سایر مأمورین ولایت و بخش و دهستان را مردم برای مدت دو سال انتخاب میکردند و هر سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد. تعیین حدود و نوع وظائف مأمورین محلی موکول به تصویب قانون مخصوصی بود (مواد ۷۸ الی ۸۴).

افراد حق داشتند اختلافات حقوقی خود را برای رسیدگی به داوران خصوصی یعنی حکمهای که خودشان انتخاب میکردند رجوع کنند. تصمیمات داوران خصوصی قطعی بود مگر در مواردیکه اصحاب دعوی در قرارداد داوران حکم داوران را قطعی ندانسته و برای خود حق تفاضلی تجدید نظر قائل میشدند و نیز مردم میتوانستند اختلافات خود را به دادرسان بخش (۳) رجوع کنند. دادرسان بخش را مردم انتخاب میکردند و مدت مأموریت آنها یکسال بود. قانون اساسی علاوه بر داوران خصوصی و دادرسان بخش داوران عمومی (۴) را نیز منظور و مقرر داشته بود که آنها را مردم برای یکسال انتخاب کنند.

داوران عمومی بنا به تقاضای اصحاب دعوی به احکام صادره از طرف داوران خصوصی یا دادرسان بخش رسیدگی کرده حکم قطعی صادر مینمودند. دادرسی در محاکم بخش و نزد داوران عمومی علنی و مجانی بود (مواد ۸۵ تا ۹۵).

محاکمات جزائی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. تعقیب متهمین مستلزم شکایت به هیئت منصفه بود مگر در مواردیکه قرار تعقیب متهمین را هیئت تقنینیه

صادر می‌کرد. نه تنها مجاکمه بلکه بازپرسی نیز علنی بود. تشخیص وقوع جرم با هیئت منصفه بود و دادگاه جنائی فقط مواد مربوطه قانون جزا را درباره متهمی که مجرم شناخته میشد اجرا می‌کرد. قضات دیوان جنائی را مردم برای مدت یکسال انتخاب می‌کردند. در رأس مجاکم دیوان کشور قرار گرفته بود (مواد ۹۶ تا ۱۰۰). تمام افراد مردم مشمول مالیات بودند. کلیه وجوه حاصله از مالیات و عایدات دیگر دولت در خزانه داری کل تمرکز یافته و هزینه وزارتخانه ها را خزانه داری پرداخت می‌کرد. هیئت تقنینیه چند نفر را از خارج برای نظارت در خزانه داری تعیین می‌کرد (مواد ۱۰۱ الی ۱۰۶).

تمام افراد مشمول نظام وظیفه بوده و الزام داشتند تمرین نظامی بکنند. برای استقرار صلح و امنیت داخلی کشور منامات مربوطه می توانستند کتباً تقاضا کنند که عده نیروی نظامی در اختیار آنها گذاشته شود ولی بمنظور دفاع از استقلال و تمامیت ارضی فرانسه فقط شورای اجرائیه مجاز بود قوای نظامی را مورد استفاده قرار دهد (مواد ۱۰۷ الی ۱۱۳).

چنانچه در نصف بملاوه يك ولايات يك عشر مجامع اولیه تقاضای تجدید نظر در مواد قانون اساسی را می‌کردند هیئت تقنینیه ملزم بود مجامع مذکور را در تمام ولايات منعقد کند و اگر اکثریت آن مجامع با تجدید نظر در قانون اساسی موافقت می‌کردند در این صورت مجلس کنوانسیون ملی (مؤسسان) تشکیل گردیده و مواد مورد نظر را تغییر میداد (مواد ۱۱۵ الی ۱۱۷).

راجع به روابط جمهوری فرانسه با ملل دیگر مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون اساسی ۱۷۹۳ چنین مقرر می‌داشت:

ملت فرانسه دوست حقیقی و واقعی ملل آزاد میباشد (ماده ۱۱۸).

ملت فرانسه در امور داخلی دول دیگر دخالت نمی‌کند (ماده ۱۱۹).

ملت فرانسه برای اشخاصیکه بعلت آزادیخواهی از کشور خود خارج شده اند

حق پناه قائل است (ماده ۱۲۰).

ملت فرانسه با دشمنی که خاک فرانسه را اشغال نموده صلح نخواهد کرد

(ماده ۱۲۱).

قانون اساسی ۱۷۹۳ حقوق و اختیارات ذیل را برای فرانسویان قائل شده است:

رعایت احترام آنرا تضمین می‌کرد :

مساوات در مقابل قانون و محاکم - آزادی فردی - تامین جانی و مالی - حق تملك اموال منقول و غیر منقول - آزادی عقاید مذهبی - حق تظلم و بالاخره استفاده از تمام حقوق بشری (ماده ۱۲۲) .

بر طبق ماده ۱۲۳ قانون اساسی مورد بحث جمهوری فرانسه درستی و صداقت - شهامت و از خود گذشتگی - زهد و تقوی - پیری و کهنسالی - مهر و محبت و حتی فلاکت و بدبختی مردم را با نظر احترام مینگریست. بموجب ماده مزبور ملت فرانسه قانون اساسی خود را تحت حمایت و حفاظت اشخاص صالح و پا کدامن قرار میداد .

ماده ۱۲۴ مقرر میداشت که اعلامیه حقوق بشر و متن کامل قانون اساسی باید بر کتیبه‌ها در عمارت هیئت تقنینیه و در میدانهای عمومی ترسیم شود .

فصل چهارم

قانون اساسی ۲۲ اوت ۱۷۹۵

مبحث اول

سیر یان تنظیم و تصویب قانون اساسی ۱۷۹۵

پس از تصویب قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ مجلس کنوانسیون (مؤسسان می بایست منحل شده و مجلس دیگری طبق مقررات قانون اساسی جدید تشکیل گردد و اما اوضاع داخلی و مشکلات بین المللی فرانسه بقاء یک دولت قوی و توانمند ایجاد میکرد و چون وجود چنین دولتی تحت لوای قانون اساسی جدید که پیشتر جنبه فلسفی داشت غیرمقدور بود از این جهت مجلس کنوانسیون بنا به پیشنهاد سن ژوست (۱) در جلسه ۱۰ اکتبر ۱۷۹۳ تصمیم گرفت که تا استقرار صلح و اعدا اوضاع عادی در فرانسه از اجرای قانون اساسی جدید خودداری شود سپس در اواخر ۱۷۹۳ مجلس تمام اقتدارات دولتی را به کمیته نجات عمومی تفویض و تمام وزارتخانه ها و کمیته ها و انجمن ها و سایر مقامات رسمی و غیر رسمی را تابع کمیته مزبور نمود. تنها وزارتخانه ها و مقامات دیگر حتی خود کنوانسیون ملی قدرت و توانائی خود را از دست داده و در یک محیط رعب و وحشت بی نظیر کلیه پیشنهادات کمیته نجات عمومی را بدون کوچکترین ایرادی تصویب مینمود.

و اما در ۹ ترمیدور (۲) سال دوم جمهوری ۲۷ ژویه ۱۷۹۴) در نتیجه بازداشت و محاکمه و اعدام روبسپیر (۳) و سن ژوست و سایر اعضاء منتقد و مؤثر کمیته نجات عمومی رژیم ترور (۴) در فرانسه پایان یافت و قوانین مصوب ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ اختیارات نامحدودی برای کمیته مزبور قائل شده بود ملغی و انجمن انقلابی پارسی که قانون بی نظمی و هرج و مرج بود منحل گردید و صلاحیت داد گاه انقلابی نیز محدود.

گشت. در اول آوریل و ۲۰ مه ۱۷۹۵ شورشیان مجلس کنوانسیون را اشغال و اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ را تقاضا نمودند. کنوانسیون مبادرت با اقدامات جدی و شدید بر علیه شورشیان نموده و محرکین آنها را بداد گاه انقلابی جلب و داد گاه آنان را محاکمه و محکوم باعدام نمود.

پس از خاموش کردن شورش و از بین بردن یاغیان موضوع اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ در مجلس کنوانسیون مورد بحث قرار گرفته و نمایندگان منسوب به حزب میانه رو ژیروند که پس از ۹ ترمیدور به مجلس کنوانسیون بازگشت نموده بودند با اجرای قانون اساسی مزبور که از طرف نمایندگان حزب ژا کوین در يك محیط ترس و وحشت تهیه و به نمایندگان مجلس تحمیل شده بود جدأ و شدیداً مخالفت کردند زیرا آنها این خوف و نگرانی را داشتند که با اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ و تجدید انتخابات و تشکیل مجلس جدید حکومت فرانسه یکبار دیگر بدست تروریستها افتاده و اوضاع قبل از نهم ترمیدور تجدید خواهد شد. اینک پس از مذاکرات طولانی مجلس کنوانسیون در ماه مارس ۱۷۹۵ يك کمیسیون یازده نفری جهت تجدید نظر در بعضی مواد قانون اساسی ۱۷۹۳ تشکیل داد و ای کمیسیون «مزبور پس از مطالعه دقیق تغییر بعضی مواد قانون اساسی مزبور را کافی ندانسته و در جلسه ۲۳ ژوئن ۱۷۹۵ به مجلس کنوانسیون پیشنهاد کرد که بجای تجدید نظر در بعضی مواد قانون اساسی ۱۷۹۳ قانون اساسی جدیدی تنظیم و به تصویب برسد. این پیشنهاد مورد قبول واقع گردید و مجلس کنوانسیون در مدت دو ماه طرح پیشنهادی کمیسیون یازده نفری را مورد شور و مذاکره قرار داده و در جلسه مورخ ۲۲ اوت ۱۷۹۵ آنرا با اصلاحات کلی قبول کرد سپس طرح مزبور بآراء عمومی ارجاع و با کثرت ۹۱۶۳۳۴ رأی موافق در برابر ۱۸۹۲۴ مخالف بتصویب رسید. علاوه بر موافقت با طرح جدید قانون اساسی و ارجاع آن بآراء عمومی مجلس کنوانسیون مقرر داشت که از مجموع ۷۵۰ نفر نماینده کنوانسیون ۵۰۰ نفر بحکم قرعه بنمایندگی پارلمان جدید تعیین گردند و منظور این بود که يك نوع هسته از نمایندگان با سابقه و با اطلاع مجلس کنوانسیون در پارلمان جدید ایجاد گردد تا نمایندگان جدید الا انتخاب بتوانند وظایف قانون گذاری را بدون زحمت و اشکال زیاد انجام دهند. این تصمیم مجلس کنوانسیون نیز به فراندوم ارجاع و با کثرت ۱۶۷۷۵۸ رأی موافق در قبال ۹۵۳۷۳ رأی مخالف تصویب شد.

پس از فراندوم و اعلام نتیجه آن و تصویب قانون عفو عمومی مجلس کنوانسیون در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۷۹۵ منحل و بر طبق قانون اساسی جدید اقدام به تشکیل مجلس بانصد نفری (۱) و مجلس شیوخ (۲) گردید.

قانون اساسی ۱۷۹۵ دارای ۳۱ ماده مربوط به حقوق و تکالیف بشر و ۳۷۷ ماده اصلی میباشد که به ۱۴ فصل تقسیم شده است. از لحاظ شماره مواد، قانون اساسی ۱۷۹۵ مفصلترین قوانین اساسی فرانسه بشمار میرود. از ۳۷۷ ماده اصلی فقط يك قسمت شامل مسائل کلی و اساسی بوده و بقیه مربوط به مسائلی است که ممکن بود حل و فصل آنها به قوانین متعارفی موکول و حتی در نظامنامه داخلی مجالس منظور گردد.

مبحث دوم

اعلامیه حقوق و تکالیف بشر (۳)

اعلامیه حقوق و تکالیف بشر که سرلوحه قانون اساسی ۱۷۹۵ میباشد باجمله ذیل شروع میشود:

«ملت فرانسه در قبال واجب الوجود (۴) اعلامیه ذیل را که حاوی حقوق و تکالیف بشر میباشد اعلام میکند».

حقوق بشر:

ماده اول - حقوق افرادی که بطور اجتماع زندگی میکنند عبارت است از آزادی - برابری - امنیت و حق تملک.

ماده دوم - آزادی عبارت از این است که اشخاص بتوانند هر کاری را که مایل باشند انجام دهند مشروط بر اینکه عمل آنها صدمه بحقوق دیگران وارد نسازد.

ماده سوم - برابری عبارت از این است که قوانین حمایت کننده و قوانین مجازات کننده برای عموم یکسان باشد. اصل برابری با اختلافات طبقاتی و امتیازات موروثی مانع الجمع است.

ماده چهارم - امنیت یا آسایش خاطر مستلزم این است که هیئت اجتماع وسائل

حفظ حقوق افراد را تأمین کند.

ماده پنجم - حق مالکیت عبارت از این است که اشخاص بهر نحوی که مقتضی و صلاح بدانند تصرفاتی در اموال خود نموده از عایدات آن و همچنین از ثمره کار و پیشه خود بهره‌مند گردند.

ماده ششم - قانون مظهر اراده عمومی است که بوسیله اکثریت مردم یا اکثریت نمایندگان مردم تجلی میکند.

ماده هفتم - عملی که قانوناً ممنوع نشده باید مجاز باشد. هیچکس ملزم نیست عملی را انجام دهد که در قانون پیش بینی نشده باشد.

ماده هشتم - هیچکس را نمیتوان به دادگاه احضار نموده مورد اتهام قرار داد و بازداشت کرد مگر در موارد مقرر در قانون و با رعایت تشریفات که قانون منظور میدارد.

ماده نهم - اشخاصیکه شخصاً یا بوسیله دیگران عملیات غیرقانونی انجام میدهند مجرم شناخته شده و قابل مجازات میباشند.

ماده دهم - هر نوع سختگیری و شدت عدل غیر قانونی نسبت به شخص متهم باید شدیداً مجازات شود.

ماده یازدهم - هیچکس را نمیتوان مجازاً مگر پس از استماع دفاع او یا احضار وی به محکمه.

ماده دوازدهم - مجازاتی که در قانون معین میگردد نباید از حد لزوم تجاوز کند. نوع مجازات باید با اهمیت جرم مطابقت داشته باشد.

ماده سیزدهم - هر نوع عملیکه برای تشدید مجازات قانونی معمول گردد جنایت محسوب میشود.

ماده چهاردهم - هیچ قانونی اعم از مدنی و جزائی عطف بماسبق نمیکند.

ماده پانزدهم - هر کس میتواند نسبت به وقت و کار خود قبول تعهد کند ولی هیچکس مجاز نیست نفس خود را بفروشد و نیز هیچکس را نمیتوان مورد معامله قرار داد.

ماده شانزدهم - مالیات برای تأمین منافع عمومی وضع میشود. مالیات باید با در نظر گرفتن بنیه مالی مؤدیان تعیین و دریافت شود.

ماده هفدهم - حاکمیت ناشی از مجموع افراد است.

ماده هیجدهم - هیچ فردی و هیچ دسته‌ای نمی‌تواند خود را منشاء حاکمیت بدانند.
ماده نوزدهم - بدون نمایندگی قانونی هیچکس نمیتواند حکومت کند یا
یکی از وظایف عمومی را انجام دهد.

ماده بیستم - هر فردی حق دارد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در وضع قوانین
و انتخاب نمایندگان ملت و مأمورین دولت شرکت کند.

ماده بیست و یکم - وظایف عمومی را نمیتوان مورد تملک قرار داد.
ماده بیست و دوم - امنیت اجتماعی بدون تفکیک قوا و تعیین حدود وظایف
هر یک از آنها و بدون مسئولیت مستخدمین غیرمقدور است.
تکالیف بشر :

ماده اول - اعلامیه حقوق تعهداتی برای قانونگذاران قائل است . حفظ و
نگهداری جامعه ایجاب میکند اشخاصیکه اجتماع را تشکیل میدهند به تکالیف خود
آشنا بوده و آنرا انجام دهند .

ماده دوم - تمام تکالیف بشر ناشی از دواصل ذیل است که بدست طبیعت در
قلوب مردم منقوش گردیده است یکی اینکه آنچه را که مایل نیستید در باره شما عموم
دارند نسبت ب دیگران انجام ندهید دیگر آنکه باشخاص خوبی کنید تا آنها نیز بشما
خوبی کنند .

ماده سوم - تکالیف هر فردی نسبت ب جامعه عبارت است از دفاع آن - خدمت
بجامعه - اطاعت از قوانین و احترام اشخاصیکه وضع قوانین میکنند .

ماده چهارم - کسی که آدم خوب پدر خوب برادر خوب رفیق خوب و شوهر
خوب نیست ممکن نیست عضو خوب جامعه باشد .

ماده پنجم - کسیکه براستی و صداقت از قوانین پیروی نکند ممکن نیست
آدم خوبی باشد .

ماده ششم - کسیکه علناً قوانین را نقض کند بجامعه درحالت جنگ است .
ماده هفتم - کسیکه قوانین را آشکارا نقض نکرده ولی با مهارت و تردستی
و حيله از رعایت آن استنکاف ورزد جامعه را جریحه دار میسازد و خود را ناشایسته
نیکی و احترام معرفی میکند .

ماده هشتم - زراعت - عملیات تولیدی دیگر - وسائل کار و نظم اجتماعی بوجود